

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیداری اسلامی

مؤلف: شیخ دکتر عائض القرنی

ترجمه و تخریج احادیث: پدram اندایش

نام کتاب: بیداری اسلامی

مؤلف: شیخ دکتر عائض عبدالله القرنی

ترجمه و تخریج احادیث: پدram اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله است و صلوات و سلام بر فرستاده‌ی الله و یارانش و اما بعد: مسلمانان بعد از خوابی طولانی در حال بیدار شدن می‌باشند و همچنین هوشیار شدنی بعد از غفلت و زندگی بعد از مرگ در انتظار آنان است. برای این بیداری ده ضابطه وجود دارد که بدین شرح می‌باشند:

ضابطه‌ی اول: اخلاص داشتن امت اسلام و صادق بودن آنها در برابر الله ﷻ.

این ضابطه جدا شدن مسلمان از کافر در سخن، عمل و نیت می‌باشد. چه بسیار دعوتهایی بوده‌اند که به علت فاسد بودن اهداف آنها و بد بودن نیت در آنها، تباه شده‌اند.

عباراتی از دین که این ضابطه را تأیید می‌کنند:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾ [الزمر: ۳]
(آگاه باشید که دین برای الله خالص می‌باشد). همچنین
الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ
الدِّينَ﴾ [البینة: ۵] (و امر نشدند، مگر برای آن که الله را
به گونه‌ای خالصانه در دین عبادت کنند). همچنین از
زبان مشرکان ریاکار می‌فرماید: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا
مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳] (و به سوی
هر عملی که انجام داده‌اند می‌رویم و آن را چون غباری
که بر باد رفته است، می‌گردانیم). الله جلیل القدر می-
فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا
وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۱۱۰] (پس کسی
که به دیدار پروردگارش امید دارد، باید عمل صالح
انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک
نکند).

به طور صحیح از رسول الله ﷺ آمد است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^۱ (اعمال فقط وابسته به نیت‌های آنها می‌باشند). همچنین با سند صحیح آمده است که فرمود: «مَنْ سَمِعَ سَمِعَ اللَّهِ بِهِ وَمَنْ رَأَى رَأَى اللَّهَ بِهِ»^۲ (کسی که برای آن که از او خوب گفته شود، عملی را انجام دهد و [یا] از روی ریاکاری آن را صورت دهد [در روز قیامت] الله [تعالی] او را رسوا می‌کند)، در حدیث صحیح آمده است: «اولین کسانی که توسط آتش سوزانده می‌شوند، سه گروه هستند: عالم، سوارکار و شجاعی که عمل خود را به نیت الله تعالی انجام نداده باشد»^۳. همچنین در حدیث با سند صحیح آمده است:

^۱ - صحیح بخاری (بخارایی) ۱؛ سنن ابوداود ۲۳۰۱؛ سنن ابن ماجه

۴۲۲۷.

^۲ - صحیح بخاری (بخارایی) ۶۴۹۹؛ صحیح مسلم ۷۶۶۷.

^۳ - معنای حدیث ۲۳۸۲ در سنن ترمذی و شیخ آل‌بانی سند آن را صحیح دانسته است.

« قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا خَيْرُ الشُّرَكَاءِ مَنْ عَمِلَ لِي عَمَلًا
أَشْرَكَ فِيهِ غَيْرِي فَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ وَهُوَ لِلَّذِي أَشْرَكَ »^۱
(اللَّهُ ﷻ فرموده است: من بهترین شریک می‌باشم، کسی
که عملی را انجام دهد و در آن غیر از من را با من
شریک گردان، من از آن مبراء می‌باشم و آن [عمل]
برای کسی است که شریک قرار داده شده است).

يخاف على رجال الصحوه

مما يخاف على رجال الصحوه

سه امر است که باعث فاسد شدن پیمودن راه و دعوت
مردان بیداری اسلامی می‌شود و باعث می‌شود تا عمل
آنها باطل گردد:

^۱ - سنن ابن ماجه ۴۲۰۲؛ مسند احمد ۸۰۰۰ و ۹۶۱۹؛ شيخ آلبنانی سند
آن را صحيح دانسته است و شيخ شعيب الارنوط گفته است: به شرط
مسلم صحيح می‌باشد.

اول: دوست داشتن ریاست و سرور بودن و داشتن مکانت. این موارد از تولیدات حزب است و الله تعالی دعوتگران را از شرّ آن در امان بدارد.

دوم: فریب دادن یکدیگر و دشمنی و دوست داشتن بالاتر بودن و نفوذ داشتن بر دیگران. این امر مفسده‌ی دوم می‌باشد.

سوم: انجام دادن عمل بدون داشتن نیت و هدف [دینی] و انجام دادن آن فقط به نیت ستایش شدن و خودنمایی.

ماجرای گردن دوست را شکستی:

وقتی رسول الله ﷺ شنید که مردی رو در روی مردی دیگر از او ستایش می‌کند، فرمود: «وَيَحْكُ قَطَعْتَ عُنُقَ صَاحِبِكِ»^۱ (وای بر تو! گردن دوستت را شکستی). این مطلب را برای برادرانی بیان می‌کنیم که جوانان تازه کار

^۱ - صحیح بخاری (بخاری) ۲۶۶۲ و ۶۰۶۱؛ صحیح مسلم ۷۶۹۳ و

۷۶۹۴؛ سنن ابوداود ۴۸۰۵؛ سنن ابن ماجه ۳۷۴۴.

همراه آنها می‌باشند. در مدح و ستایش آنها ترسی وجود دارد که مبادا باعث خودبالندگی و به خود نازیدن آنها شود. پس با ستایش زیاد و تعریف کردن از آنها، قلبهای آنان را فاسد نکنید.

عمل ما باید چگونه باشد:

افتخار کردن به اعمال و احساس کامل بودن در دعوتی که صورت می‌گیرد، تبی است که به سراغ اخلاص می‌آید و آن را مریض می‌گرداند. هاله دیدن و به حساب آوردن اعمال با راستگو بودن در مقابل الله تعالی و طلب اجر از وی منافات دارد.

دارویی که ریا را از بین می‌برد:

شناخت خالق تبارک و تعالی و اعتقاد به این که نفع و ضرر در دست اوست و باید از او طلب اجر نمود و همچنین شناخت مخلوقی [که انسان می‌خواهد عمل خود را برای او انجام دهد] و شناخت نقصان و اشتباه و

ناتوانی وی. این دو شناخت از اساس نیاز انسان را به ستایش و خوش آمدن مخلوق قطع می‌کنند. همچنین دائماً دعا نمودن و طلب اخلاص از الله تعالی و پناه بردن به وی از ریا. تمامی این موارد داروهایی می‌باشند که به کمک الله تعالی باعث از بین رفتن ریا می‌شوند.

راه شناخت اخلاص:

اگر شک کردید که آیا عملی را برای الله تعالی انجام داده‌اید یا برای مردم، از خودتان سوال کنید: آیا اگر تنها بودم نیز این عمل را انجام می‌دادم؟ اگر به تنهایی آن را انجام می‌دادید آن عمل برای شماست و اگر نه بترسید و از [ریا] بر حذر باشید.

اگر بین مردم در عبادت نشاط داشتیم:

تجربه ثابت کرده است که مسلمان در بین برادرانش در مجالس و تجمعات، نشاط پیدا می‌کند و اگر تنها باشد

دچار کسالت می‌شود و این امر غیر از چیزی است که در قبل گفتیم و [ریا نمی‌باشد].

ضابطه‌ی دوم: اهمیت دادن به یاد گرفتن علم شرعی و زنده کردن روح بدست آوردن آن در جوانان.

علم باشرفترین مطلوب و بهترین هدف و شگفت‌انگیزترین امر برای عبادت الله تعالی است. الله متعال می‌فرماید: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾

[محمد: ۱۹] (پس بدان که هیچ پرستش شونده و معبود برحق جز الله وجود ندارد و برای گناهت طلب آمرز

کن!) همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا يَعْقُلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۳] (و در آن کسی تعقل نمی‌کند، مگر

عالمان)، می‌فرماید: ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيْنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ [العنكبوت: ۴۹] (بلکه آن آیاتی

روشن در سینه‌ی صاحبان علم می‌باشد) و می‌فرماید: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

دَرَجَاتٍ ﴿المجادلة: ۱۱﴾ (الله [متعال] کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند، بالا می‌برد و برای صاحبان علم درجات [بالایی] وجود دارد) و می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۹] (آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، یکسان هستند).

به طور صحیح از پیامبر ﷺ آمده است: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ»^۱ (کسی که الله [تعالی] برای او خیری بخواهد فهم دین را به او می‌آموزد). همچنین فرموده است: «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»^۲ (علماء وارثان پیامبران هستند).

^۱ - صحیح بخاری (بخاری) ۷۱ و ۳۱۱۶ و ۷۳۱۲؛ صحیح مسلم ۲۴۳۶ و ۲۴۳۹ و ۵۰۶۵؛ سنن ترمذی ۲۶۴۵؛ سنن ابن ماجه ۲۲۰ و ۲۲۱.

^۲ - سنن ابوداود ۳۶۴۳؛ سنن ترمذی ۲۶۸۲؛ سنن ابن ماجه ۲۲۳ و شیخ آلبنی سند آن را صحیح دانسته است.

به سخن بازدارنده از طلب علم توجهی نکنید:

به مانند این فصل را در رساله‌ی «کیف تطلب العلم» را بیان داشته‌ام و مفهوم آن را در اینجا تکرار می‌کنم و آن این است که به سخن کسانی گوش ندهید که تحصیل علم را سبک می‌شمارند و یا آن که در برابر طلب علم مشغولیت ایجاد می‌کنند و به بهانه‌ی دعوت و داخل میدان شدن، انسان را از آن منع می‌کنند. به آنها بگویید: دعوت بدون علم ممکن نمی‌باشد و دعوت‌گران همان علماء هستند و علماء همان دعوت‌گران می‌باشند و السلام.

تاج بیداری اسلامی علم است:

بر گناهان و فتنه‌ها و جنگ فکری غلبه نمی‌یابیم مگر با علم. مسیر این امت را هموار نمی‌کنیم و آنها را بر حول حق جمع نمی‌کنیم و احوال آن را اصلاح نمی‌کنیم، مگر با علم. کوهی بنا نمی‌کنیم و تمدنی را تأسیس نمی‌کنیم،

مگر با علم. این حقایقی که بیان شد را نقل، عقل، واقعیت و تاریخ تصدیق می‌کنند.

علم دینی اصل است:

وقتی از علم صحبت می‌کنیم، فقط منظورمان علم دینی که همان قرآن و سنت است می‌باشد و منظورمان همان سخن الله تعالی و سخن فرستاده‌اش ﷺ می‌باشد. البته از کسب علم دنیوی گریزی وجود ندارد، ولی علم دینی اصل الاصول می‌باشد.

توازن بین علم دینی و فرهنگ سازی:

مجلات اسلامی، روزنامه، کتابهای چاپ شده و اخبار باید بر اساس قرآن، سنت، فقه و تفسیر و بر پایه‌ی علم باشند، پس عالمی فرهنگ‌ساز باشیم و بدون علم فرهنگ‌سازی نکنیم و نباید این گونه باشد که فقط زبان سخن بگویید و در قلب علمی وجود نداشته باشد.

جوانان بیداری اسلامی سه دسته می‌باشند:

قسمتی از آنها دعوت می‌دهند و کوشش می‌کنند و این در حالی است که زمانی را برای کسب علم قرار نمی‌دهند، این افراد روزی سبب نیکی می‌شوند و روزی دیگر دچار مشکل می‌گردند و ماحصل دعوت آنها همیشه نیکی نمی‌باشد.

گروهی دیگر خودشان را وقف تحصیل علم می‌کنند و آن را بر نشر علم و دعوت برتری می‌دهند و به شکلی نیکو علم کسب می‌کنند، ولی در رساندن آن به دیگران کوتاهی می‌کنند.

گروهی دیگر اهل خرد هستند و آنها هم اهل تحصیل علم می‌باشند و هم اهل نشر دادن و منفعت رساندن با آن و [در کنار طلب علم به آن نیز] دعوت می‌دهند و این گروه بهترین گروه در بین گروه‌های سه‌گانه هستند.

مجالسی که علم در آنها وجود دارد:

بسیاری از مجالس را دیده‌ام که در آنها درس، حفظ، مطالعه و بحث دینی وجود دارد. آن مجالس باغی از باغهای بهشت می‌باشند، ولی در کنار آنها مجالسی را دیده‌ام که بیشترین چیزی که در آن وجود دارد آوازخوانی، تئاتر و امثال این موارد است، اگر در آن اعتدال را رعایت کنند چیز خوبی است و اگر نه مجالس آنها از مجالس دنیوی بوده و عادی و مباح می‌باشند.

بازگشت جوانان به استقامت برای ما کافی نیست:

بازگشت جوانان به استقامت در راه دین تنها هدف دعوت نمی‌باشد، بلکه باید آنها را تعالی داد و مفهوم دین را به آنها شناساند و باید آنان را بر آن داریم که کتاب الله عز وجل و سنت فرستاده‌اش ﷺ را حفظ کنند، این همان هدف نهایی است.

ضابطه‌ی سوم: کنار گذاشتن اختلاف و فرقه فرقه شدن و دوری از بغض ورزیدن و دشمنی با یکدیگر.

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا
وَأَخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾ [آل عمران: ۱۰۵]
(و به مانند کسانی نباشید که فرقه فرقه شدند و بعد از
آن که روشنی به آنها رسید، اختلاف پیدا کردند)،
همچنین الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾
[الحجرات: ۱۰] (فقط مؤمنان برادر [یکدیگر] هستند)،
همچنین الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ [المائدة: ۵۵] (دوست و یاور
شما فقط الله، فرستاده‌اش و کسانی که ایمان آورده‌اند
می‌باشند). همچنین در توصیف مؤمنان می‌فرماید: ﴿أَذَلَّةٌ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [المائدة: ۵۴] (در
برابر مؤمنان فروتن می‌باشند [و] در برابر کافران با
عزت هستند).

به طور صحیح از پیامبر ﷺ آمده است: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ...»^۱ (مسلمان برادر مسلمان است. به او ظلم نمی‌کند و او را خوار نمی‌گرداند و او را تحقیر نمی‌نماید...).

به یکدیگر بغض ورزیدن:

در سنت به ثبت رسیده است که به یکدیگر بغض ورزیدن به مانند تراشیدن [و از بین بردن] دین است و بیداری که در آن بغض ورزیدن و دشمنی وجود داشته باشد، بیداری نمی‌باشد. اگر در مجلس دعوتی غیبت و ناسزاگویی وجود داشته باشد، باعث پاره پاره شدن امت می‌شود و بهتر آن است که همگی دور هم جمع شوند و برای علمای مخلص دعا صورت گیرد.

^۱ - صحیح مسلم ۶۷۰۶.

به شایعات توجهی نکنید:

در بین جماعت مسلمانان و دوستان از انتشار شایعات جلوگیری کنید و و این را بدانیم که مزدِ شایعه پراکنان نزد ابلیس می‌باشد. چرا باید شایعه درست کرد؟ چرا باید چنین سخنانی را نقل کرد؟ چرا باید بر زخم نمک پاشید؟ کسی که به حق مشغول نشود، باطل او را به خود مشغول می‌کند و کسی که خداوند رحمان را عبادت نکند، شیطان او را به استخدام خود در می‌آورد.

اگر شایعه‌ای شنیدید:

اگر شایعه‌ای شنیدید از کسی که آن را برای شما بیان داشته است، درباره‌ی وضع، و حال و فکرش سوال کنید و این که چه هدفی از آن دارد؟ و چه کسی این سخن را به او گفته است؟ همچنین مؤدبانه درسی به او دهید که آن را فراموش نکند.

تهمت زدن به افراد صاحب منسب:

این گونه گفته شده است:

بالا منزلت را ضایع نگردانید! اگر به بزرگی به آنها اشاره کنید، این همان بزرگداشتِ شخص بزرگ است و اگر به آنها تهمت یا افترا زده شود، از بزرگی و عظمت آنها کم می‌شود. کسی که به برادرش تهمت بزند، فقط به خودش دشنام داده است و ایجاد شک می‌کند و توسط او بیماری [درون] انتشار می‌یابد.

کسی که مرد را به سوی دشنام دادن چنین افرادی دعوت کند، باعث می‌شود تا از روی حق و یا از روی باطل به آنها دشنام دهند و مجازات او از جنس عمل او خواهد بود.

ولی کسی که ساکت است، در حالی که اهل عمل می-
باشد، با مانند ماهِ شب چهارده می ماند که مسیر را
روشن می کند.

اما بی عمل دشنام دهنده به مانند سگی می ماند که پارس
می کند و آرام و قرار ندارد.

ولو أنى بهاشمى خوؤلته بنو عبد المـدان
لهان على ما القى ولكن تعالوا فانظروا بمن ابتلانى

خیر خواهی و دوری از رسوا نمودن:

برای چه خیر یکدیگر را نمی خواهیم و این در حالی
است که [پیامبر ﷺ فرموده است:] «الدِّينَ النَّصِيحَةُ»^۱
(دین همه اش خیر خواهی است). برای چه یکدیگر را به
خیر توصیه نمی کنیم؟ برای چه بعضی از ما بعضی دیگر
را در بین مردم رسوا می کنند؟

^۱ - صحیح مسلم ۲۰۵؛ سنن ابوداود ۴۹۴۶.

محققاً از الزامات بیداری - اگر خواسته شود که بیداری ایجاد گردد - این است که افرادی که سعی در ایجاد این بیداری دارند، به این سخن الله تعالی عمل کنند:

﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾

[العصر] (سوگند به زمان * همه‌ی انسانها در زیانکاری هستند * مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و یکدیگر را توصیه به حق می‌نمایند و یکدیگر را توصیه به صبر می‌نمایند). [از این سوره معلوم می‌شود که کسی که توصیه به حق و صبر نماید، از زیانکاران خواهد بود].

با گرمی با یکدیگر برخورد داشتن:

آنچه در قلبها خیمه برپا می‌کند و کینه‌ها را در دلها از بین می‌برد، گرمای خوشرویی، بشاش بودن صورت و تبسم نمودن به مسلمانان است. کسی که عبوس می‌باشد

یا چهره در هم فرو رفته‌ای دارد یا اوقات تلخی می‌کند به افرادی شبیه است که نور را نشناخته‌اند و طعم رسالت محمد ﷺ را نجشیده‌اند.

تراه إذا ما جئته متهللاً
كأنك معطيه الذی أنت سائله

ضابطه‌ی چهارم: به منهج و راه و روشی عمل کنیم که از نور عقیده‌ی اهل سنت و جماعت نشأت گرفته باشد. این امری ضروری برای ایجاد یکی شدن است و باعث باز شدن گره‌ها می‌شود و تقویت عمل نمودن و همان پیمانی است که بر اساس عقیده‌ی صاف، کامل و شیرین اهل سنت می‌باشد و باید بر اساس عقیده‌ی پیشینیان [یعنی نفرات اولیه اسلام] باشد، بدون آن که در تاریکی قدم گذاشته و پراکندگی ایجاد نموده و یا با یکدیگر تعارف داشته باشیم. باید دانست که اتفاق نظر در امور کلی و مسائل عمومی عقیده به تنهایی کافی نمی‌باشد،

زیرا امکان آن را به وجود می‌آورد که اهل بدعت با ما در زیر یک سایه جمع شویم.

سخنی که باید فهمید:

به آنچه که در آن اتفاق نظر داریم عمل می‌کنیم و در اموری که بعضی از ما با بعضی دیگر در آن اختلاف داریم، برای یکدیگر عذر می‌آوریم. این سخنی است که بعضی از دعوتگران آن را به زبان می‌آورند. امید است منظور از آنچه در آن اختلاف نظر داریم همان فرعیات جزئی دین باشد، همان امری که پیشینیان صالح بر آن اجماع داشتند. ولی اگر منظور از آنچه در آن اختلاف داریم، تمامی امور دین باشد، آن گونه می‌شود که باید با تمامی فرقه‌ها از جمله جهمیه و ... بلکه حتی با بهائیان و امثال آنها باید یکی باشیم و این در حالی است که با آنها در اصول توافقی نداریم.

به پیشواز بدعتگذار نمی‌رویم:

با کسی که در دین الله ﷻ امر جدیدی درست می‌کند، از آنجا که با الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ دشمنی می‌کنند، دوستی نمی‌نماییم و از او ستایش نمی‌کنیم. از اموری که پیشینیان صالح در آن جدیدیت داشتند، دشمنی با بدعتگذار و شناساندن او به مردم و برحذر داشتن مردم از آنها بود. این عمل آنها همان چیزی است که دعوتگران به سوی بیداری اسلامی باید بر آن اهتمام داشته باشند، تا آن که حامل اصول و مبادی پیشینیان صالح باشند و به آنچه که [از طرف پیامبر ﷺ] به آن بزرگواران رسیده است و آنها به ما رسانده‌اند، عمل نمایند.

فهم پیدا کردن به قرآن و سنت، بر اساس فهم

پیشینیان صالح:

دعوت به سوی قرآن و سنت کافی نمی‌باشد، بلکه باید فهم پیشینیان صالح بر آن دو نیز به آن اضافه شود. اگر دعوت به سوی قرآن و سنت بدون فهم پیشینیان صالح کافی باشد. خوارج و دیگر بدعتگذاران نیز به حق دست می‌یافتند، زیرا آنها به سوی آن دعوت می‌کردند و قرآن و سنت را ملاک قرار می‌دادند، ولی نه بر اساس فهم پیشینیان.

کتابهای عقیده که باید در بیداری اسلامی از آنها استفاده شود:

در کنار قرآن و سنت، کتابهای عقیده وجود دارند که بهترین، اصیل‌ترین و عمیق‌ترین آنها «کتاب توحید» از شیخ محمد تمیمی و «کتاب معرج القبول» از شیخ

حافظ حکمی و عقیده‌ی طحاویه و کتابهای ابن تیمیه و ابن قیم رحمهم الله می‌باشند.

آشکار نمودن اشتباه واجب است:

دعوت به سوی یکی شدن و اتحاد کلمه به این معنا نمی‌باشد که بر بدعتگذار ردی آورده نشود و خطای او آشکار نگردد و این در حالی است که وقتی بدعتگذاری شناسانده می‌شود، ندا داده و فریاد می‌زنند: به سوی اختلافات نروید و وحدت کلمه را از بین نبرید. البته منظور آنان کدام اختلاف است و منظور آنها در اتحاد کلمه، کدام کلمه است.

آیا در حالی که عقیده‌ی درست ویران می‌شود و پاره پاره می‌گردد، سکوت نماییم؟ آیا وحدت کلمه جمع شدن گراگرد باطل می‌باشد؟ آیا برای بیهودگی و پوچی یک صف واحد تشکیل دهیم؟!

تاریک بودن راه و روش در پیمودن مسیر خلل ایجاد می‌کند:

اگر منهج و راه و روش شرح داده شده [و صحیح] وجود نداشته باشد، آنوقت است که در تعلیم دچار مشکل می‌شویم و راه‌های گوناگون درست شده و در جماعتی که ما هستیم اختلاف به وجود می‌آید و در نتیجه صوفی، اشعری و ... نیز در مجموعه‌ای قرار می‌گیرند که ما در آن هستیم و جماعت نامیده می‌شوند و در آن جماعت قرار می‌گیرند زیرا قانونی وجود ندارد که از پذیرفتن این افراد در جماعت جلوگیری کند. پس چگونه می‌شود که برای این جماعتها ضابطه‌ی خاصی وجود ندارد؟ و عاقبت این مجموعه‌ی بزرگ که در آن حق از باطل جدا نمی‌شود چه می‌باشد؟

کسی که به اصل چیزی نادان باشد، رسیدن به آن چیز برایش غیر ممکن می‌شود:

اصل تمامی اصول همان عقیده است و کسی که نسبت به آن جهل داشته باشد، هرگز به خیر نمی‌رسد.

اولین چیزی که به مردم آموخته می‌شود عقیده است و اولین چیزی که به آن دعوت داده می‌شود، عقیده می‌باشد. کسی که بپندارد که عقیده امری وراثتی بوده و از جد انسان به انسان می‌رسد، او شخصی سطحی‌نگر است و از عقیده‌ی صحیح دور می‌باشد. درست است که یاد گرفتن عقیده امری آسان و میسر است، ولی معنای آن این نمی‌باشد که نیازی به آموختن و فهم آن وجود ندارد.

ضابطه‌ی پنجم: برای رسیدن به بیداری اسلامی چه هدفهایی وجود دارد؟

برای هر عمل‌کننده‌ای باید هدفی وجود داشته باشد، تا برای رسیدن به آن کوشش نماید و برای رسیدن به هر هدفی باید عملی انجام داد تا رسیدن به آن هدف امکان

پذیر شود. اهل بیداری اسلامی زیرک‌تر از آن هستند که عملی را انجام دهند که برای آن هدفی وجود نداشته باشد و یا آن که نگاهی به آن اهداف نداشته باشند.

اما این اهداف چه می‌باشد؟

چهار امر هستند:

- ۱- پیاده کردن قانون الله تعالی بر روی زمین.
 - ۲- یکی کردن اراده‌ی مسلمانان.
 - ۳- جهاد در راه الله تعالی.
 - ۴- تربیت مردم بر اساس تعالیم قرآن و سنت.
- ضابطه‌ی ششم: پیمودن اموری که نتیجه‌ی آنها رسیدن مردم به این بیداری می‌باشد، چیست؟

بزرگترین این امور همان مواردی است که رسول الله ﷺ توسط آنها دین الله تبارک و تعالی را تبلیغ نمود. از آنها الگوی نیکو بودن و پند آموزی عمومی، دعوت فردی و دروس علمی بود. این در حالی است که در این زمان

وسایل ارتباط جمعی و انجمنهایی به آنها اضافه شده است. اصلی‌ترین آنها مسجد است و از آن است که دعوت جریان می‌یابد. ولی باید توجه داشت که مسجد به تنهایی مکان دعوت نمی‌باشد، بلکه دعوتگران به سوی بیداری باید به اماکن عمومی، تجمعات باطل، مکانهای بیهودگی و تالارهای گفتگوی باطل در اینترنت بروند تا آن که این دعوت را به آنها برسانند.

برای این امر چیزایی وجود دارد که به تفصیل بیان می‌شود:

— خطبه: نفوذی شرعی، فرصتی شگفت‌انگیز و منبری نیکو می‌باشد و آن وقتی است که بهترین خطیب‌ها فکر خود را بیان می‌دارند. آن اصل بوده و مکانی برای تأثیرگذاری است.

— پند دادن(موعظه): حرارت ایجاد کردن در قلبها، بارور نمودن جانها و زنده نمودن درون، اموری است که

توسط پند دادن ایجاد می‌گردد و آن توسط پند دهنده‌ی زنده، باهوش و مخلصی صورت می‌گیرد که با سخنانش قلبها و چشمها را مالک می‌شود و جانها از او تأثیر می‌گیرند.

— گفتگو: به نیت دعوت، باید جلساتی آرام در مقابل مخالفان یا کسانی که ایجاد شک می‌کنند، ایجاد کنیم و به این کار با برادری، آرامش، دلایل قوی و ادب قدرت ببخشیم.

— دعوت فردی: گریزی از این امر وجود ندارد و باید افراد تک تک آگاه شوند و آن وقتی است که با شخصی به تنهایی و دور از جمع ارتباط برقرار می‌شود. اما شافعی گفته است:

تعمدنی بنصحک فی انفراد
وجنبی النصیحة فی الجماعة

ما در تنهایی هدف قرار بده تا مرا نصیحت نمایی و از
نصیحت من در جلوی مردم خودداری کن

فإن النصح بين الناس نوع
من التوبيخ لا أَرْضَى استماعه

نصیحت در بین مردم نوعی از توبیخ کردن است و کسی
از شنیدن آن راضی نمی‌گردد

فإن خالفتنی وعصیت أَمْرِي
فلا تجزع إذا لم تعط طاعة

اگر با من [در این سخنی که گفتم] مخالفت کنی و و از
امر من نافرمانی کنی، پس اگر اطاعت نشدی بی‌تابی
ننما!

- دروس علمی: حلقه‌های علمی و آرام است که افرادی
را که در طلب علم هستند به دور خود جمع می‌کند و
زندگی خود را بر سفره‌ای قرار می‌دهند که در آن گفته
می‌شود: الله تعالی می‌فرماید و رسول الله ﷺ می‌فرماید

این کار از بزرگترین وسایل برای رسیدن به دعوت می‌باشد، حتی اگر طرفداران کمی داشته باشد. ولی باید در نظر داشت:

قلیل منک یکفینی ولکن

قلیلک لا یقال له قلیل

کمی از تو برایم کافی است ولی به کم بودن تو، کم گفته نمی‌شود

— کار اختصاصی: تلاشی قوی برای به وجود آوردن فقیهان، مفسران و محدثان، تمامی این موارد چیزهایی است که این بیداری شایسته است که آن را انجام دهد و این البته بعد از توفیق دادن الله تعالی می‌باشد.

— روزنامه نگاری: روزنامه‌هایی که انتشار آنها زیاد می‌باشد و باعث بالابردن سطح مردم می‌شوند و هدف در آن این است که گروهی از روزنامه نگاران با قلمهای خود حروف دعوت به سوی الله تعالی و بیان دین وی

را بر روی کاغذ بیاورند و اثرگذاری این روش آشکار است.

- سی‌دی‌ها و نوارهای کاست اسلامی: آنان دارای نفع بسیار و فایده‌های زیادی هستند. تکثیر و در اختیار گذاشتن آنها، کار بسیاری از نیکوکاران است و به راحتی می‌توان آنها را پخش نمود. وسایلی است که اگر خوب تهیه شده باشند، بسیار اثر گذار هستند و باید به آنها توجه داشت.

خلاصه این که هر وسیله‌ای که حرام نباشد و در آن مصلحتی برای دعوت وجود داشته باشد، بر دعوتگران واجب است تا برای بالا بردن دین الله تعالی از آن استفاده کنند.

- سرود اسلامی ایرادی ندارد، البته اگر دارای سه شرط باشد:

۱- از ناسزا گفتن یا لودگی یا سبک‌سری پاک باشد.

۲- همراه آن ساز موسیقی و آلات لهو وجود نداشته باشد.

۳- از آنها زیاد استفاده نشود، تا آن که باعث از بین رفتن وقت [و جایگزین شدن ذکر الله تعالی] گردد.
ضابطه‌ی هفتم: در سخنان، اعمال و حالات، بدون افراط و تفریط راه وسط را پیمودن.

ضابطه‌ی مهمی می‌باشد و دینِ الله تعالی راه وسطی بین غلو نمودن و کوتاهی کردن می‌باشد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ [البقرة: ۱۴۳] (و این چنین است که شما را امت میانه‌رو قرار دادیم)، هدف رسیدن می‌باشد و در رساله‌ی «الحرکات الإسلامية المعاصرة» این مطلب بیان شده است. محققاً یکی از هدفهای دین اسلامی، بنا نهادن اجتماعی اسلامی بر پایه‌ی میانه‌روی است. غلو نمودن و کوتاهی کردن مخالف کتاب الله ﷻ و سنت فرستاده‌اش ﷺ

می‌باشد. اقوامی بوده‌اند که تندروی نموده‌اند و در نتیجه‌ی تندروی گرفتار بدعت شده‌اند و همچنین اقوامی بوده‌اند که کوتاهی کرده‌اند و در نتیجه‌ی کوتاهی‌شان دچار بدعت و دست‌کاری در دین شده‌اند.

دعوتی نشأت گرفته از وسط بودن:

علی علیه السلام گفته است: «شخص با حکمت کسی است که مردم را از رحمت الله [تعالی] نا امید نگرداند و از مکر الله تعالی [به علت کوتاهی‌هایش] خود را ایمن نداند». این سخن از نیکوترین سخن‌ها می‌باشد. اگر دعوتگر به سراغ گروهی برود و مسائلی را که لازم است، غیر لازم بدارد و از روی اشتباه عذر مردم را بپذیرد، آن گروه تبیل شده و سست گردیده و به سردی می‌گراید. همچنین اگر دعوتگر امور کوچک را بزرگ گرداند و برای لغزشها بزرگ نمایی کند و از امور بیهوده مردم را بترساند، آن گروه خسته شده و روی بر می‌گرداند. راه

وسط همان راه و روش محمد ﷺ بوده است که راهی بین ترس و امید می باشد، الله تعالی می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الاحزاب: ۲۱] (همانا برای شما رسول الله الگویی نیکو می باش، برای کسی که به الله و آخرت امید دارد و یاد الله را بسیار انجام می دهد).

امت وسط، سردگرایی و کوتاهی کردن نمی باشد:

ممکن است کسی بیندارد که معنای وسط بودن، آسان کردن امور و پا به پا کردن در انجام واجبات است. این برداشتی اشتباه می باشد و گریزی وجود ندارد که باید به قرآن محکم چنگ بزنیم. بلکه وسط بودن، گرفتن امر الله تعالی و فرستاده اش ﷺ به شکلی محبانه، تسلیم گونه و گردان نهادن به آن می باشد و آن باید موافق آنچه الله

تعالی و فرستاده‌اش ﷺ به آن امر نموده‌اند، باشد، بدون آن که چیزی کم شود و یا به آن اضافه گردد.

تندروی از صفات بیداری اسلامی نمی‌باشد:

بعضی از مردم می‌گویند: بیداری تندروی می‌باشد، ولی این سخن درست نمی‌باشد و دلیلی برای آن وجود ندارد. افراد نادری آن را قبول دارند و برای امر نادر حکمی وجود ندارد.

ضابطه‌ی هشتم: بستن راه دشمن و کامل شدن در تخصصات علمی و تمییز دادن دعوتگران.

سه امر بزرگ هستند. راه نفوذ دشمنان بر مسلمانان بسته نمی‌شود، مگر توسط بندگان مخلص. در آنچه که به دنیا و دین سود می‌رساند باید تخصص بدست آورد تا آنجا که توسط فرزندان مسلمان به اوج خود برسد. سپس باید دعوتگران را بر حسب استعداد، قدرت، مال، مکان و زمان تمییز داد تا آنجا که هر کدام از آنها به

کامل شدن موقعیت بیداری اسلامی کمکی کرده باشند. و البته که این الله تعالی است که توفیق هر چیزی را می‌دهد.

اسلام به تخصص اهمیت می‌دهد:

شخصیت کامل چیزی نادر است. شخصی ممکن است در امری قوی باشد، ولی در امری دیگر ضعف داشته باشد. در بین صحابه تخصصاتی وجود داشته است: ابی بن کعب رضی الله عنه در قرائت سرآمد بود، معاذ رضی الله عنه از همه‌ی آنها به حلال و حرام عالمتر بود، علی رضی الله عنه در قضاوت قوی‌تر بود، خالد رضی الله عنه مرد نیزه و شمشیر بود، حسان استاد قافیه-سرای بود، زید در موارد عالم بود و هر کسی منبع رجوع خود را می‌شناخت.

ما به دانشمند، واعظ، معلم، پزشک، مهندس، خلبان و تاجر و هر آنچه که به مسلمانان در هر میدانی سود می‌رساند، احتیاج داریم. از عالم دینی خواسته نمی‌شود که

پزشکی کند و از پزشک خواسته نمی‌شود که خطبه‌ی دینی بگوید و از مهندس نیز خواسته نمی‌شود تا عالم دینی باشد... بلکه هر کسی باید در تخصص خود به اسلام نفع برساند. و البته که الله تعالی یاری رسان ما خواهد بود.

دشمنان الله تعالی اهل تخصص می‌باشند:

آیا نمی‌بینید که غرب چگونه بر اساس تخصص بنا شده است؟ آنان مردمی هستند که هر کدام از آنها قسمتی از آن جامعه را بنا می‌نهد تا آنجا که [در امور دنیا] به کمال رسیده‌اند، آیا این عجیب نمی‌باشد؟ آیا شایسته نمی‌باشد که از این نظم استفاده کنیم؟ حکمت چیزی است که مؤمن آن را در هر جا ببیند، آن را بدست می‌آورد. ضابطه‌ی نهم: ضرورت قرار دادن علمی که از قرآن و سنت بدست می‌آید با آنچه که در محیط وجود دارد.

کسی که عبارات قرآن و سنت را بشناسد و به آنها علم پیدا کند، ولی محیط را درک نکند، به مانند کسی است که دارای هر دارویی است، ولی بیماری را نمی‌شناسد. همچنین کسی که محیط را بشناسد و علمی به دین نداشته باشد، به مانند کسی است که بیماری را می‌شناسد، ولی دارویی نزد وی یافت نمی‌شود.

جمع شدن حولِ نصوص دینی:

بر فرزندان بیداری اسلامی است که حول قرآن و سنت جمع شوند و این امر، گنجی گرانقدر و خیری فراگیر می‌باشد. این جمع شدن شامل حفظ نمودن، مطالعه، تبادل نظر و گفتگو می‌باشد و میوه‌ی آن پیدایش علماء، دعوتگران و ادیبانی است که پیمودن راه را میسر و ممکن می‌کنند.

علم به محیط آسان می‌باشد:

خیر آن است که به طور مفصل شناخته شود و شرّ آن است که به صورت اجمالی شناخته شود و علم به محیط برای هر کسی در هر زمانی که باشد، آسان می‌باشد. شناخت افکار ویران شده و حرکت‌های مغرض و فرقه‌ها و طایفه‌ها برای دعوت ضرورت دارد، حتی اگر به صورت اجمالی صورت بگیرد، زیرا شناخت تمامی جزئیات و هر مسأله‌ای امری مشکل می‌باشد و چه بسا که در هر کدام از آنها غیر از متخصصان توانایی این امر را نداشته باشند.

برای بیداری باید تاریخ خوانده شود:

شناخت تاریخ و درس گرفتن و عبرت آموختن از آن باید توسط فعالان بیداری صورت پذیرد و نیکو دانسته شود.

برای بیداری واجب است تا تاریخ آن و دیگر تاریخ‌ها خوانده شود، تا توسط آن تجربه ایجاد شود و واقعیت محقق گردد و بر اساس آن زندگی ایجاد گردد. همانا الله ﷻ داستانهایی را بیان نمود و درباره‌ی آنها می-فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً﴾ [یوسف: ۱۱۱] (همانا در بیان ماجراهای آنها، عبرتی وجود دارد) به این معنا که مشکلاتی قومی برای قومی دیگر فایده ایجاد می‌کند [و آن مشکلات باعث درس گرفتن دیگر اقوام می‌شود].

شوقی گفته است:

اقْرَأِ التَّارِيخَ إِذْ فِيهِ الْعِبْرُ

ضَلَّ قَوْمٌ لَيْسَ يَدْرُونَ الْخَبْرَ

ضابطه‌ی دهم: اعتراف نمودن به این که کوتاهی می-نماییم و توبه‌ی خود را تجدید کنیم و طلب آمرزش خود را زیاد نماییم.

به این معنا که به خودمان مبالیم و از فخرفروشی و به شگفت آمدن و تکبر و غرور دوری کنیم و خودمان را متهم بدانیم و کوتاهی نمودن خود را درک نماییم.

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَايَ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ﴾ [النور: ۲۱] (و اگر فضل الله و رحمت وی بر شما نبود، کسی از شما تزکیه نمی یافت [و پاک نمی شد] ولی این الله [متعال] است که هر که را بخواهد تزکیه می دهد [و پاک می نماید]).

﴿فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾ [النجم: ۳۲] (به خودتان نسبت پاکی ندهید و او [الله تعالی] به کسی که تقوا پیشه کند، آگاهتر است).

ادعای کامل بودن نداشته باشیم:

کوشش می کنیم و جهاد می نماییم و دعوت می دهیم و تلاش می کنیم، در حالی که می گوییم: گناهکار هستیم. ما می نویسیم و خطبه می گوییم و محاضره برپا می نماییم

و تألیف می‌کنیم در حالی که می‌گوییم: ما از کوتاهی
کنندگان هستیم. کمال به تنهایی برای الله تعالی است و
عصمت برای رسول الله ﷺ.

اهل بیداری از گناهان کبیره اجتناب می‌کنند:

گناهان صغیره انجام می‌شود و لغزشها حاصل می‌گردد،
ولی باید دانست که گناهان کبیره همان هلاکت و ویرانی
است: ﴿إِنْ تَجْتَبُوا كَبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ
سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾ [النساء: ۳۱] (اگر از
گناهان کبیره که از آن نهی شده‌اید، خودداری کنید،
بدی‌های شما را پاک می‌گردانیم و شما را وارد
آوردگاهی گرامی می‌نماییم).

اعمال صالح، گناهان صغیره را پاک می‌گرداند و آنها
توسط ما زیاد انجام می‌گیرد، ولی گناهان کبیره این
گونه نیست و از الله تعالی درخواست می‌نماییم که بین
ما و آنها فاصله بیاندازد.

تعداد کم و معین:

پیشینیان اصلاح کردند و استقامت ورزیدند و شروع به حرکت به سوی فضیلت نمودند و این در حالی بود که عصر آنها صاف بود و فتنه‌ها کم بود و فریبنده زیاد نبود و علماء، دعوتگران، زاهدان و بندگان متعددی وجود داشت.

اما در زمان ما اتفاقاتی افتاده است: فتنه‌های بدبخت کننده، مفسد عمومی و فریب‌دهندگان بسیاری وجود دارند و این در حالی است که نجات دهنده و پناهگاهی جز الله تعالی وجود ندارد، ولی می‌گوییم: در بین ما افرادی از ما که به واجبات عمل می‌کنند و از گناهان کبیره خودداری می‌کنند، وجود دارند و اصطلاحاً وقتی آب به دو قله برسد، خباثت ایجاد نمی‌شود.

ما به همراه آیات سوره‌ی احقاف هستیم:

الله سبحانه دربارہی مؤمنان می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾ [الاحقاف: ۱۶] (آنان کسانی هستند که بهترین آنچه انجام دادند را از آنها قبول می‌کنیم و از بدی‌های آنها در می‌گذریم [و] در [میان] بهشتیان خواهند بود. [این] وعده‌ی راستینی است که به آنها وعده داده می‌شد). ای اهل بیداری! ما به همراه این آیه هستیم.

يا أمة المجد قومي مزقي الحجيا
وأشعل في ليالي دهرك الشها
لا تذكرى صلاح الدين سفسطة
من غير بذل صلاح الدين قد ذها
قبر العظيم إذا ما زاره ذنب
أرغى وأزبد لا حييت يا ذنبا

لو أسمعوا عمر الفاروق نسبتهم
وأخبروه الرزايا أنكر النسبا
أبواب أجدادنا منحوتة ذهباً
فها هياكلنا قد أصبحت خشياً
من زمزم قد سقينا الناس قاطبة
وجيلنا اليوم من أعدائنا شرباً
لكن أبشر هذا الكون أجمعه
أنا صوحنا وسرنا للعلا عجباً
بفتية طهر القرآن أنفسهم
كالأسد تزار في غاباتها غضباً
عافوا حياة الخنا والرجس واغتسلوا
بتوبة لا ترى في صفها جنباً

سلامتى و رحمت الله و برکاتش بر فرزندان اين بيدارى
مبارک.